آسیب‌شناسی سبک زندگی ایرانیان و طراحی الگوی زندگی بهشتی *

□ جواد یعقوبی[۱]
□ عباسعلی سلطانی[۲]

چکیده

انقلاب اسلامی حامل روش تازهٔ زندگی و متکفل فتح باب جدیدی در شیوهٔ زیست انسان بود. از این رو تحقیق در سبک زندگی، در واقع گام برداشتن در جهت تعمیق ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی است. سبک زندگی یکی از موضوعات جدید در جامعهٔ ماست که بعد از تأکیدات مقام معظم رهبری جای خود را به عنوان یک بحث نوبنیاد در تحقیقات پژوهشگران باز کرده است. نوشتار پیش رو نگاهی چند وجهی به این موضوع دارد؛ از سویی در پی بررسی و مطالعهٔ شیوهٔ زندگی مردم جامعهٔ امروز ایران و تشریح میزان نفوذ مدل‌های غربی و غیر اسلامی ـ ایرانی بر زندگی ایرانیان است. از سوی دیگر به آثار فکری و علمی که توسط روشنفکران در این زمینه نگاشته شده، نظری افکنده و این هر دو را به نقد کشیده و در فرجام نیز به تبیین و ترسیم زندگی آرمانی مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی ـ ایرانی پرداخته است؛ زندگی آرمانی که این نوشتار آن را زندگی بهشتی می‌نامد. در این مقاله آسیب‌شناسی سبک زندگی امروز جامعه و فرهنگ ما در مقایسه با سبک زندگی مورد نظر قرآن، احادیث، سیرهٔ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۴ ـ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۹.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسؤول)
۲. دانشیار و عضو هیأت علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

www.noormags.ir

تفاوت‌های اساسی میان این دو گونه زندگی تشریح شده و جهت اثبات این مدعا، مستندات و دلایل متعددی نظیر مستندات فقهی، قرآنی، روایی و نیز پرسش‌نامه اقامه شده است. بنابراین چارچوب این نوشتار چنین است؛ گام نخست آسیب شناسی زندگی امروز ایرانیان از طریق مطالعهٔ شواهد و مدارک عینی موجود و در گام دوم طراحی گونه‌ای از زندگی بهشتی متفاوت با سبک زندگی مرسوم، از طریق ارائهٔ مستندات فقهی، قرآنی، روایی و تاریخی از زندگی بزرگان دینی. روش این پژوهش کتابخانه‌ای ـ میدانی است.

واژگان کلیدی: زندگی بهشتی، سبک زندگی آرمانی، سبک زندگی فقهی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی.

مقدمه

انسان برای زیستن به این دنیا قدم می‌گذارد پس شیوهٔ زیستن اهمیت غیر قابل انکاری دارد. آیا می‌توان بدون توجه به هدف، و بدون برنامه زندگی کرد؟ مسلماً پاسخ منفی است. بنابر این پرداختن به مبحث سبک زندگی امری ضروری است که خوشبختانه با توجه مقام معظم رهبری مورد عنایت صاحبان قلم و اندیشه قرار گرفته است. گرچه انسان همیشه براساس یک برنامه و هدف زندگی کرده است، هر چند خود به آن آگاه نبوده، اما مباحث نظری مربوط به این موضوع به تازگی مطرح شده است. در این نوشتار به دلیل اهمیت برنامهٔ زندگی و کیفیت آن، ما در بخش اول، سبک زندگی مورد تأیید و تأکید قرآن، نهج‌البلاغه و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام در موضوعات همسایه، والدین و حقوق آنها در فقه و حقوق و با توجه به اهمیت قانون و عدالت در سبک زندگی اسلامی، به این موضوعات که همان برنامه و کیفیت برنامه است، می‌پردازیم و آن گاه در بخش دوم این مقاله به آسیب‌شناسی شیوه و منش زندگی امروز ایرانیان توجه می‌کنیم و آراء و نظریات دانشمندان ایرانی و غربی را در باب شیوهٔ زندگی مطرح می‌کنیم و در فرجامین بخش این نوشتار نیز به ارائهٔ یک سبک زندگی که از قرآن برداشت شده می‌پردازیم.

www.noormags.ir

سبک زندگی آرمانی

۱. همسایه

طرح عنوان همسایه در این نوشتار و ربط آن به موضوع مقالهٔ حاضر، چنین است که ما در صدد اثبات این حقیقت هستیم که در سبک زندگی امروز ایران اسلامی، همسایه، جایگاه و ارزش سابق، که بسیار مورد تأکید قرآن و پیامبران علیهم‌السلام بوده را ندارد و این دقیقاً به خلاف قرآن، نهج‌البلاغه، احادیث معصومین علیهم‌السلام و اعمال و اقوال آنهاست؛ چرا که آنها همواره در همهٔ شؤون و جهات از حقوق همسایگی صحبت به میان آورده‌اند و بر رعایت آن تأکید کرده‌اند که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

ابتدا ما واژهٔ همسایه را از نظر لغت، ریشه‌یابی می‌کنیم و سپس با آوردن مثال‌هایی از قرآن، احادیث، حکایات و سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام، که به حقوق همسایه اشعار دارد، مطلب خود را در این بخش به پایان خواهیم رساند.

۱.۱. همسایه در لغت

واژهٔ جار، از ریشهٔ جور، به معنای میل و عدول است و فعل آن از باب مفاعله (مجاوره، جِوار) به معنای همسایگی است؛ «الجَارُ هو الذی یُجَاوِرُک بَیْتَ بَیْتَ» (تاج‌العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ق، ۲۱۷/۶)؛ به طوری که سایهٔ دیوار خانهٔ همسایه در خانهٔ ما می‌افتد؛ «هو الذی یجاورک فی المسکن و یمیل ظل بیته إلی بیتک، من الجور المیل» (طریحی، ۱۳۷۵، ۲۵۱/۳) و همچنین با عنایت به آیهٔ ۳۶ سورهٔ نساء و به اعتبار معنی آن، کسی که نزدیک است جار خوانده شده، مثل ﴿ثُمَّ لا یُجاوِرُونَکَ فِیها إلاَّ قَلِیلاً﴾ (احزاب/۶۰)؛ در آنجا جز اندکی همسایهٔ تو نباشند. ﴿قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ﴾ (رعد/۴)؛ قطعه‌های نزدیک هم. راغب گوید: چون حق همسایه عقلاً و شرعاً بزرگ است، لذا به هر کسی که حق او بزرگ است و یا حق دیگری را بزرگ می‌داند جار گفته‌اند، مثل ﴿لا غالِبَ لَکُمُ الْیَوْمَ ... وَ إِنِّی

جارٌ لَکُمْ﴾ (انفال/۴۸)؛ یعنی من امان شمایم و حقتان را بزرگ می‌دانم. و از این حساب است آیهٔ ﴿وَ هُوَ یُجیرُ وَ لا یُجارُ عَلَیْهِ﴾ (مؤمنون/۸۸)؛ او امان می‌دهد و امان داده نمی‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۱۲).

۲.۱. همسایه در قرآن

در قرآن کریم، واژهٔ جار دو بار در آیهٔ ۳۶ نساء و یک بار در آیهٔ ۴۸ انفال به کار رفته است. جار در آیهٔ اول، به معنای همسایه است و در باب معنی و تفسیر دو ترکیب «الْجارِ ذِی الْقُرْبی» و «الْجَارِ الْجُنُبِ» در این آیه، اقوال مختلفی نقل شده است. ابن عباس، مجاهد، قتاده، ضحاک و ابن زید گویند: مقصود همسایگانی است که با انسان خویشاوندی دارند و همسایگانی که خویشاوندی ندارند. از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است که «همسایگان بر سه دسته‌اند؛ همسایه‌ای که سه حق دارد: حق مسلمانی، حق همسایگی و حق خویشاوندی. همسایه‌ای که دو حق دارد: حق همسایگی و حق مسلمانی و همسایه‌ای که یک حق دارد و آن مشرکی است که از اهل کتاب باشد». بنابر این همسایهٔ مشرک هم حق همسایگی دارد، خواه اهل کتاب باشد خواه نباشد (ترجمهٔ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲).

سپس قرآن دربارهٔ کسانی که با انسان دوستی و مصاحبت دارند، توصیه به نیکی می‌کند «وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ». این واژه معنایی وسیع‌تر از دوست و رفیق دارد و در واقع هر کسی را که به نوعی با انسان نشست و برخاست کند، در بر می‌گیرد. به این ترتیب، آیه یک دستور جامع و کلی برای حسن معاشرت نسبت به تمام کسانی که با انسان ارتباط دارند می‌باشد، اعم از دوستان واقعی، همکاران، همسفران، مراجعان، شاگردان، مشاوران، و خدمت‌گزاران (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۸۵).

www.noormags.ir

۳.۱. همسایه در احادیث معصومین علیهم‌السلام و نهج‌البلاغه

در احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان شیعه علیهم‌السلام مطالب فراوانی دربارهٔ رعایت حقوق همسایه آمده است. در حدیثی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: «اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، اگر نیازمند شد نیازش را برطرف سازی، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عیادتش روی، وقتی مرد در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی، خانه‌ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آن که خودش اجازه دهد...» (شهید ثانی، بی‌تا، ۱۰۵). در حدیثی دیگر، حرمت همسایه در حدی دانسته شده که آزردن او باعث سلب ایمان می‌گردد و حتی چنین کسی لعن شده است. همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ اهمیت رعایت حقوق همسایه فرمودند: «ما زال جبرئیل یوصینی بالجار حتی ظننت انه سیورثه» (پاینده، ۱۳۸۲، ۷۰۰)؛ آن چنان جبرئیل دربارهٔ همسایه به من سفارش می‌نمود، که تصور کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد.

در احادیث، همسایه از چنان منزلتی برخوردار است که حتی در هنگام دعا کردن باید وی را بر خود مقدم داشت، چنان که براساس حدیثی، حضرت فاطمه علیهاالسلام تا صبح برای زنان و مردان مؤمن دعا کرد، ولی در حق خود دعا نکرد و فرمود «الجار ثمّ الدّار» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۳).

امام علی علیه‌السلام، تعصب‌های غلط و افتخارات بیهوده را به باد انتقاد می‌گیرند، تأکید می‌کنند که اگر کسی بخواهد تعصب به خرج دهد و افتخار نماید، باید کردار نیک و خصال پسندیده را ملاک مباهات قرار دهد؛ که نخستین این حالات مستحسن از دیدگاه آن حضرت علیه‌السلام، حفظ حقوق همسایه است. وقتی هَمام، یکی از اصحاب پرواپیشهٔ آن امام هُمام، خواست که ویژگی‌های پرهیزکاران را وصف کنند، حضرت علیه‌السلام، یکی از ویژگی‌های افراد باتقوا را ضرر نرسانیدن به همسایه برشمردند. همچنین در وصیت‌نامهٔ خویش، خطاب به

www.noormags.ir

فرزندشان می‌فرمایند: «و الله الله فی جیرانکم فانّهم وصیّة نبیّکم ما زال یوصی بهم حتّی ظنّنا انّه سیورّثهم» (ترجمهٔ نهج‌البلاغه، اردبیلی، ۳۰۷).

امام سجاد علیه‌السلام، در رسالهٔ حقوق، ۵۱ حق را برشمرده‌اند؛ دربارهٔ حق همسایه فرمودند: اما حق همسایه، حفظ او در نهان، بزرگداشت وی در عیان و حمایت او است، در صورتی که ستم دیده باشد و اگر احتمال تأثیر انذار می‌دهی، او را نصیحت کنی، در وقت ناملایمات و سختی‌ها او را رها نکنی؛ از خطا و لغزش او در گذری، جرمش را ببخشی و با او از روی کرامت و بزرگوارانه معاشرت کنی (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۵۶۹). همچنین یکی از دعاهای صحیفهٔ سجادیه، به مسائل همسایگان و دوستان اختصاص یافته است (صحیفهٔ سجادیه، دعای ۲۶).

همچنین در مورد حد و حدود همسایگی احادیث فراوانی از ائمه نقل شده است که در یکی از آنها حضرت علی علیه‌السلام حد و حدود همسایگی را تا چهل منزل از هر طرف می‌دانند «وَ الجِوارُ أربَعونَ دارا مِن أربَعَةِ جَوانِبِها» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۵۴۴).

۲. عدالت و قانون

عدالت و قانون از موضوعاتی است که بسیار مورد تأکید اسلام قرار گرفته؛ خداوند در آیات بسیاری، مسلمانان را به اقامهٔ عدل بر روی زمین و رعایت به قانون دعوت کرده است. در آیهٔ ۸ سورهٔ مائده، راه پرهیزکاری را در رعایت عدالت می‌داند تا جایی که می‌فرماید: مبادا دشمنی با گروه یا جمعیتی باعث شود که شما عدالت را در مورد آنها رعایت نکنید. در آیهٔ ۲۵ حدید، هدف از بعثت پیامبران علیهم‌السلام را اجرای عدالت در زمین می‌داند تا مردم را هدایت کنند. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی اجرای عدالت را راه‌گشای تمام امور می‌دانند: «عدالت شیرین‌تر از آبی است که به جگر سوخته رسد، چه گشایشی است در عدالت، زمانی که در امری عدالت شود اگر چه کم باشد» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲۱۹).

www.noormags.ir

عدالت به معنای دادگری کردن، عدالت در لغت استقامت باشد و در شریعت عبارت از استقامت بر طریق حق است به اجتناب از آن چه محظور است در دین (دهخدا، ۱۳۹۰۴/۹).

واژهٔ قانون، در اصل سریانی یا یونانی است و پس از انتقال به لغت عرب، در معنای اندازه، مقیاس اشیاء و قضیه کلی که بیان‌گر یک رشتهٔ جزئیات است و نیز به معنای اصل هر چیز به کار رفته است. این کلمه مجازاً به معنای قاعده و دستور می‌باشد (پاشا (متخلص به شادفرهنگ)، ۱۳۳۵، ۳۳۰۴). قانون در اصطلاح علوم مختلف، معانی متفاوت دارد، همانند قوانین طبیعی، قوانین فلسفی، قوانین فیزیکی و قوانین ریاضی که هر یک به گونه‌ای خاص تعریف شده‌اند. قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوهٔ رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۵۱۸ـ۵۱۷).

در اصطلاح حقوق‌دانان، کاربرد این واژه در مواضع مختلفی لحاظ شده است؛ گاهی مجموع رفتارهای عملیاتی دستگاه قدرت حاکمه و ضوابط حاکم بر آن را حرکت قانونی در جهت سامان‌بخشی ساختار عملی حکومت می‌خوانند. بر این اساس حتی حرکت‌های غیر مدون نیز وجه قانونی داشته و تحت شعاع قانون قابل توجیه است و نیازمند قوانین مدون و منصوص نخواهد بود (گروهی از مؤلفان، ۱۳۶۸، ۲۹۱).

۱.۲. قانون و سبک زندگی

هدف از تدوین قانون در جوامع گوناگون، به خصوص جوامع غربی و سکولار، کاهش قتل و آدم‌کشی، دزدی و تجاوز و به طور کلی کاهش جرم و مجازات است. از این رو نگاه آنها به دنیا و متعلقات آن، یک نگاه صرفاً مادی است و از قانون به عنوان یک ابزار کارگشا برای پیش بُرد این هدف استفاده می‌کنند. این نوع نگاه به زندگی و این نوع طرز تفکر، خود مُبدع سبک خاصی از زندگی در جوامع غربی شده که از آن به عنوان سبک زندگی مصرف‌گرایی و مبتنی بر

www.noormags.ir

لذات و مادیات یاد می‌کنند. اما نگاه اسلام و قرآن به قانون و زندگی بسیار فراتر از جنبهٔ مادی است که در ادامه تشریح می‌شود.

۲.۲. عدالت و قانون در قرآن

هدف از تدوین قوانین الهی، علاوه بر مادی بودن آن، معنوی بودن آن می‌باشد. در این نوع طرز تفکر، هدف، تعالی روحانی و معنوی زندگی است. پیامبران الهی علیهم‌السلام نیز با اعمال و اقوال خود بر این حقیقت صحه گذاشته‌اند. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی می‌فرمایند: «الدّنیا مزرعة الاخرة» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ۸۶). این حدیث نشان می‌دهد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هم به مادی بودن دنیا در سبک زندگی خود می‌اندیشد و هم به معنوی بودن آن. در سبک زندگی اسلامی، انسان‌ها از احوال اقوام و همسایه‌هایشان باخبر هستند، به عدالت اعتقاد دارند و به قوانین احترام می‌گذارند و نسبت به والدین خویش خوش‌رفتار هستند. انسان‌ها در سبک زندگی مبتنی بر قوانین الهی و قرآن، تلاش می‌کنند که رضایت خداوند را به دست آورند. پرسشی که در این جا مطرح است آن که «آیا سبک زندگی مصرف‌گرای جامعهٔ امروز ما همان چیزی است که در قوانین الهی و قرآن به آن اعتقاد داریم؟». جامعهٔ ما در سبک زندگی خود دچار تعارض شدیدی در آنچه بدان اعتقاد دارد و آنچه بدان عمل می‌کند شده است. متأسفانه ما به جای این که مؤثر بر فرهنگ‌های دیگر باشیم بیشتر متأثر بوده‌ایم. توجه به این نکته ضروری است که مفهوم غرب هیچ‌گاه الزام جغرافیایی نداشته است، می‌توان از نظر جغرافیایی در شرق عالم بود، اما در فرهنگ غرب سهیم شد و از سبک زندگی آنها تأثیر پذیرفت، آن گونه که ژاپن جزئی از فرهنگ و تاریخ غرب است و همچنین می‌توان در غرب جغرافیایی عالم بود و فارغ از فرهنگ و تاریخ غرب بود مانند بومیان آمریکای لاتین. از این رو دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های زمانی و مکانی تأثیری در غربی شدن کشورها ندارد.

www.noormags.ir

آیهٔ ۹۰ سورهٔ نحل ﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾، جامع‌ترین برنامه در زمینهٔ مسائل اجتماعی و انسانی و اخلاقی را بیان می‌کند. عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌گردد. به معنی واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد. بنابراین، هرگونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران به خلاف عدل است، اما از آنجا که عدالت با همهٔ قدرت و شکوه و تأثیر عمیقش در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان را پشت سر آن می‌آورد. در حدیثی از علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «عدل آن است که حق مردم را به آنها برسانی، و احسان آن است که بر آنها تفضل کنی» (بابایی، ۱۳۸۲، ۵۹۳/۲).

۳.۲. عدالت و قانون در روایات

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به پیروی از قرآن، اهمیت بسیاری برای عدالت قائل شده‌اند. در روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: ساعتی عدالت بهتر از هفتاد سال عبادت است (طبرسی، ۱۳۷۴، ۵۴۴). روشن است که عبادت نیز در زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، اما در قیاس با عدالت اهمیت آن بسیار کم‌تر است. شاید یکی از وجوه اهمیت عدالت، تأثیر آن بر زندگانی اجتماعی انسان باشد، زیرا بی‌عدالتی یا رعایت عدالت می‌تواند به سرعت بر روش زندگی انسان‌ها تأثیر بگذارد. در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می‌ریزد (کلینی، ۱۳۶۹، ۵۶۸/۳).

۳. والدین

در الگوی سبک زندگی اسلامی، پدر و مادر از جایگاه والایی برخوردار هستند،

www.noormags.ir

تا آنجا که خداوند در آیهٔ ۲۳ سورهٔ اسراء، اُف گفتن به آنها را هم جایز نمی‌داند و حتی با اسناد نقل شده، امام رضا علیه‌السلام فرمودند که پدرم جعفر علیه‌السلام فرموده: «پست‌ترین درجهٔ عاق والدین گفتن کلمهٔ «اُف» است. و اگر از این کلمه‌ای پست‌تر می‌بود، همانا خدا از گفتن آن هم انسان را نهی می‌کرد» (امام رضا علیه‌السلام، ترجمهٔ حجازی، ۱۴۰۶ق، ۱۰۹).

اهمیت احترام به پدر و مادر در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز به چشم می‌خورد. امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دعای بیست و چهارم از صحیفهٔ سجادیه تعظیم و بزرگداشت والدین در همهٔ شرایع را مورد تأکید قرار داده، سپس می‌فرماید: «مردی بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: مرا عملی بیاموز که به وسیلهٔ آن به رحمت خدا نزدیک شوم، فرمود: پدر و مادر داری؟ گفت: آری، فرمود: به ایشان نیکویی کن که نیکویی دربارهٔ آنها از همه چیز به رحمت حق نزدیک‌تر است» (امام سجاد علیه‌السلام، ۱۳۷۶، ۱۵۸).

نیکی به پدر و مادر و احترام به آنها منشأ خیر و برکت فراوان است؛ حتی می‌شود از آن به شناخت بیشتر خداوند رسید. امام صادق علیه‌السلام در ذیل حدیثی در این باره می‌فرمایند: «... عبادتی نیست که انسان را سریع‌تر برساند به رضای پروردگار، و بهتر باشد از نیکویی به والدین برای خدا، و حق پدر و مادر از حقوق خدا جدا و متفرع می‌شود، به شرط آن که بر طریقهٔ دین و روی روش اسلامی سلوک کنند» (منسوب به امام ششم علیه‌السلام، ۱۴۰۰ق، ترجمهٔ مصطفوی، ۳۱۱). بنابراین در سبک زندگی دینی جایگاه والدین بسیار رفیع است.

توجه به نکات فوق اهمیت همسایه و حقوق آن، عدالت و قانون و احترام به والدین را در سبک زندگی اسلامی نشان می‌دهد. در ادامهٔ این نوشتار بیشتر به مسألهٔ سبک زندگی خواهیم پرداخت.

سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی از موضوعاتی است که پیش‌تر ذهن اندیشمندان غربی و در حال

www.noormags.ir

حاضر ذهن محققان ما را درگیر خود کرده است. همچنین هشدار مقام معظم رهبری در مورد تهاجم فرهنگی طی سالیان گذشته و ارتباط ناگزیر آن با سبک زندگی ملت ایران، که برگرفته از اسلام و دین می‌باشد، بر اهمیت این موضوع افزوده است. ایشان در سفر مهرماه سال ۹۱ به استان خراسان شمالی ضمن دعوت برای طراحی سبک زندگی فرمودند: «ما برای تحقق پیشرفت همه‌جانبه که در واقع همان تمدن نوین اسلامی است، نیازمند پیشرفت در دو بُعد هستیم؛ بُعد ابزاری و بُعد محتوایی. پیشرفت ما در بُعد ابزاری و سخت‌افزاری این تمدن تا به حال خوب بوده است، اما در بُعد شیوهٔ زندگی، که بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی است، پیشرفت خوبی نداشته‌ایم» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

در مسیر طراحی سبک زندگی اشکالاتی نیز وجود دارد که ایشان این اشکالات را در قالب ۲۹ سؤال مطرح کردند. به عنوان مثال در سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی نباید ربا و رشوه و مشکلات خانوادگی گسترده باشد و خیلی موارد دیگر نظیر رعایت حقوق متقابل زن و شوهر، خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریح، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف و خیلی مسائل دیگر، که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهم کرد.

۱. آسیب‌شناسی سبک زندگی

در آسیب‌شناسی سبک زندگی باید گفت سبک کنونی زندگی ما التقاطی است. بنابراین باید برای پالایش آن اقدام کنیم. در این پالایش نباید تمامی متغیرهای سبک زندگی را تک تک ردیف کنیم و مثلاً بخواهیم هم‌زمان ۵۰ مسألهٔ سبک زندگی را تغییر دهیم. این کار شدنی نیست. ابتدا باید یک یا دو عامل اصلی را که دیگر عوامل تابع آنها هستند، انتخاب کنیم و روی آنها کار کنیم. اگر این عوامل اصلی تغییر کرد، خود به خود عوامل فرعی هم تغییر می‌کنند.

www.noormags.ir

۱.۱. فردگرایی و بی‌توجهی به دیگران

مهم‌ترین آسیب سبک زندگی که باید تغییر کند، «فردگرایی[1]» است. فردگرایی یک آسیب جدی در سبک زندگی است. دنیای امروز و حتی جهان شرق به دلیل جهانی‌شدن به سمت فردگرایی می‌رود. به عنوان مثال جملهٔ «این مشکل شماست[2]» متعلق به فرهنگ فردگراست؛ فرهنگی که رشد و رواج باورهای آن باعث می‌شود که مسؤولیت‌پذیری در قبال دیگران کم‌رنگ شود.

امروزه فردگرایی باعث شده که همسایه‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند و نسبت به هم بی‌تفاوت شده‌اند و این به خلاف سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد حقوق همسایه می‌فرمایند: «اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، نیازش را برطرف سازی، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عیادتش روی، در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی، خانه‌ات را بلندتر از خانهٔ او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری...» (مسکن الفؤاد، ۱۰۵).

۲.۱. مصرف‌گرایی

در مسألهٔ کیفیت و کمیت مصرف، غرب با نظریه‌های استعماری و پیشرفت فناوری و صنعتی خود، توانست جوامع دیگر را از حالت انسجام فرهنگی جدا سازد و آنان را با هجوم ارزش‌های خود، به صورت چند پارچهٔ فرهنگی درآورد. صدها سبک لباس، مسکن و الگوهای آرایشی را با هجوم فرهنگی خود بر دیگر جوامع وارد کرد و روحیهٔ مصرف‌زدگی و تجمل‌پرستی را گسترش داد. باید اذعان کرد که ما نیز با واکاوی زندگی امروز ایرانی، با تضارب متعددی از ساختارهای قابل تأمل مواجه هستیم. اگر واقع بینانه به موضوع بنگریم، آنچه شاهد آن هستیم، التقاطی از فرهنگ غرب و فرهنگ مرسوم ایرانی و دینی است. آنچه می‌تواند از هجوم این نوع فرهنگ بر دیگر جوامع جلوگیری کند، آگاهی و توجه کشورها به حافظهٔ تاریخی، ارزش‌ها، تمدن و فرهنگ خودی است.

www.noormags.ir

۳.۱. نتایج یک تحقیق میدانی در باب تقلید از سبک زندگی غربی در ایران

بر همین اساس ما در روشی میدانی اقدام به توزیع ۱۰۰ پرسش‌نامه در بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاهی کردیم تا براساس همین پرسش‌نامه اثبات نمائیم که نسل جوان ما که پیش قراول فرهنگ کشور هستند و آیندهٔ این مملکت را به دست خواهند گرفت چه برداشتی از سبک زندگی دارند. نتایج این پرسش‌نامه که در ادامه به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت به طرز حیرت‌آوری مهر تأیید بر این فرضیه زد که جامعهٔ ما بیشتر علاقه دارد در مسیر فرهنگ مصرف‌زده و مادی غربی قدم بردارد تا فرهنگ اسلامی.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir

۱.۳.۱. متن سؤالات پرسش‌نامه

	کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم	تاحدی موافقم	تاحدی مخالفم
۱. در جامعهٔ ما رشته‌های فنی و مهندسی، شأن و منزلت بالاتری از رشته‌های علوم انسانی دارا هستند.				
۲. در جامعهٔ ما رشته‌های علوم انسانی نسبت به رشته‌های فنی و مهندسی از قدر و منزلت بالاتری برخوردار هستند.				
۳. هر شغل یا رشتهٔ دانشگاهی که درآمد بیشتری دارد، از جایگاه بالاتری برخوردار است.				
۴. مشاغلی که منافع معنوی بیشتری برای جامعه در پی دارد از ارزش بالاتری برخوردار است، هر چند درآمد مادی آن قابل توجه نباشد.				
۵. جایگاه اجتماعی انسان‌ها در جامعهٔ ما براساس درآمد شغلی معین می‌شود.				
۶. کم و کیف زندگی در جامعهٔ ما، رابطهٔ مستقیمی با شغل، میزان درآمد و رشتهٔ دانشگاهی دارد.				
۷. دانشجویان رشته‌های پردرآمد دانشگاهی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر بیشتری نسبت به تأمین آتیهٔ زندگی خود، در مقایسه با سایر رشته‌های دانشگاهی قائل هستند.				
۸. هدف اکثریت دانشجویان از ورود به دانشگاه، تأمین مالی آیندهٔ زندگی آنهاست تا ارتقاء دانش و معنویت و اخلاق و... .				
۹. خانواده‌ها در جامعهٔ ما، فرزندان خود را بیشتر به تحصیل در رشته‌های با درآمد بالا تشویق و ترغیب می‌کنند.				
۱۰. درآمد مالی بالاتر مساوی است با سعادت و خوشبختی بیشتر.				

www.noormags.ir

۲.۳.۱. نتایج پرسش‌نامه

اما نتایج پرسش‌نامه، که به صورت نمودار تنظیم شده است، بیان‌گر تأیید و اثبات فرضیهٔ ماست و به نوعی سبک زندگی امروز جامعهٔ ایران را به تصویر می‌کشد. همان طور که نمایان است نزدیک به ۴۰ درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که خانواده‌هایشان آنها را به تحصیل در رشته‌های با درآمد بالا تشویق و ترغیب کرده‌اند و همچنین بیشتر از ۳۰ درصد از دانشجویان هدف از ورود خود به دانشگاه را تأمین مالی زندگی آیندهٔ خود معرفی کرده‌اند و نتایج این نمودار پرده از این واقعیت برمی‌دارد که مردم جامعهٔ ما بیشتر به سمت مادی‌گرایی سوق پیدا کرده‌اند تا معنویت‌گرایی.

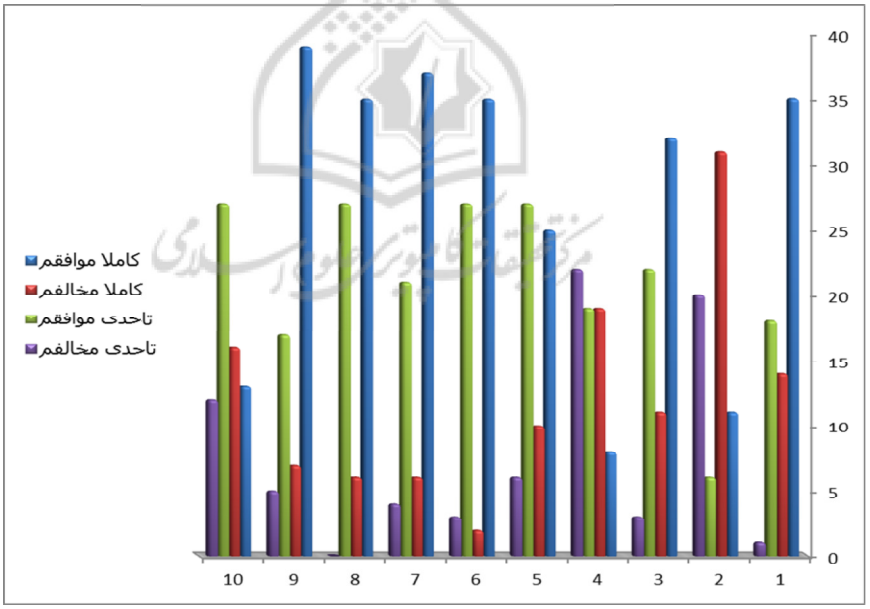

نمودار آماری نتایج پرسش‌نامه

۴.۱. نظریات دانشمندان غربی و ایرانی در باب سبک زندگی غربی

در این بخش ابتدا نظریات اندیشمندان غربی را در مورد سبک زندگی بررسی

www.noormags.ir

خواهیم کرد، سپس به سراغ نظریات دانشمندان روشنفکر ایرانی در این زمینه خواهیم رفت. این فصل مروری است بر مهم‌ترین نظریات در مورد سبک زندگی.

۱.۴.۱. آلفرد آدلر

همان طور که در ابتدای بحث بدان اشاره شد موضوع سبک زندگی ابتدا از سوی اندیشمندان روانشناس غربی، همچون آلفرد آدلر در اوایل قرن بیستم میلادی ارائه گردیده است. روان‌شناسی آدلر مبتنی بر ارزش‌هاست و نظریهٔ سبک زندگی او نیز خالی از ارزش‌ها نیست. وقتی از استین یکی از شاگردان آدلر در این مورد سؤال شد، او پاسخ داد: «بدیهی است ارزش‌های آشکار، هستهٔ نظریه، فلسفه و عمل آدلر هستند و جهت‌گیری‌های شخصی حرفه‌ای او را تأمین می‌کنند» (کاویانی، ۱۳۹۱، ۳۵۲). آدلر یکی از بنیان‌گذاران روانشناسی فردی است. خود او در این مورد می‌گوید: «روانشناسی فردی قادر است نمونه‌هایی عرضه کند تا برای حصول یک زندگی قابل تحمل‌تر به کار آید» (همان، ۳۵۲). نظریهٔ سبک زندگی آدلر، نظریهٔ شخصیت او نیز محسوب می‌شود. آدلر می‌گوید: «همهٔ افراد از دوران اولیهٔ کودکی، قانون حرکت واحد خود را به وجود می‌آورند. هدف این حرکت همیشه، غلبه بر مشکلات زندگی فرد است. حرکت منسجم فرد به سوی هدف شخصی، نشان‌گر امنیت و اهمیت سبک زندگی او است» (اسکین و کِرن، ۱۳۸۹، ۳۴). آدلر سبک زندگی را این گونه خلاصه می‌کند: «سبک زندگی مفهومی کلی است که افزون بر هدف، در بردارندهٔ اندیشهٔ فرد دربارهٔ خود، دنیا و همچنین شیوهٔ منحصر به فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف، در شرایط خاص است. سبک زندگیِ فرد، پلی است به سوی نیل به هدف شخصی» (همان، ۳۵).

www.noormags.ir

۲.۴.۱. تورستین وبلن

پیشتازی وبلن (۱۹۲۹ـ۱۸۵۷) در تحلیل ریشه‌های اجتماعی ـ روان‌شناختی انگیزش‌های رفتاری در قالب سبک زندگی (سبک رقابت‌آمیز) و کارکردهای پنهان آن (مانند مصرف چشم‌گیر و خودنمایانهٔ کالاهای تجملی) باعث شد تا به عنوان یکی از نظریه‌پردازان عرصهٔ علوم اجتماعی قلمداد شود. وبلن امروزه در علوم اجتماعی نامی چندان آشنا نیست، اما در سال‌های آغازین سدهٔ بیست، تأثیر به سزایی بر اندیشمندان حوزه (مانند ماکس وبر) گذاشت. اگرچه او به صورت مستقل به مفهوم سبک زندگی نپرداخت، اما در آثار خود[۳] از این اصطلاح به عنوان مبنایی برای تحلیل بهره برد. برای درک بهتر بحث او دربارهٔ سبک زندگی، ابتدا خلاصه‌ای از اندیشه‌های وی دربارهٔ این اصطلاح ارائه می‌شود.

وبلن در مورد اجتماع بشری معتقد است افراد برای تداوم و توسعهٔ زندگی خود مجبور به حضور در اجتماع هستند. در اجتماع روش‌های سازگاری با هم و با محیط‌شان به عادات و رسومی تبدیل می‌شود که با مرور زمان در قالب نهادهای اجتماعی تبلور می‌یابد. «نهادها الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء و بخش اساسی یک فرهنگ پذیرفته می‌شود؛ نهادها شامل رسوم، عادات اجتماعی، قوانین، روش‌های فکری و به طورکلی روش (سبک) زندگی است» (تورستین، ۱۳۸۶، ۹۵).

یکی از دیدگاه‌های وبلن، که به خوبی ارزش کارهای او را روشن می‌کند و به شدت مورد توجه سایر محققان قرار گرفته است، دیدگاه او در باب رقابت است. وبلن پایگاه (شأن و منزلت) فرد را در ابعاد اقتصادی تعیین کنندهٔ عادات فکری و رفتاری‌اش می‌دانست. از نظر او در یک فرهنگ رقابتی افراد تلاش می‌کنند به مراتب بالاتری از این شأن و منزلت دست یابند. وبلن در گام بعدی چنین پیشنهاد کرد که منزلت و احترام امری است مقایسه‌ای و بازتابی. معمولاً فرد به میزان شأن و منزلتی که دیگران برای او قائلند برای خود احترام قائل

www.noormags.ir

می‌شود و هر میزان از این احترام که به دست می‌آید پایه‌ای است برای انتظار و توقع مرتبهٔ بالاتر. او در بررسی زندگی طبقهٔ بورژوا، دریافت افراد این طبقه با شیوهٔ تغذیه، پوشاک و مسکن خویش می‌خواهند نشان دهند که نیازی به کارکردن ندارند و اوقاتشان به فراغت می‌گذرد. او در رفتارهای مصرفی این طبقه، که آنها را طبقهٔ تن آسان[۴] نامید، سبکی را بازشناخت که آن را مصرف خودنمایانه یا چشم‌گیر خواند. از نظر وبلن اگر این سبک زندگی در گذشته به طبقات بوژوا محدود بود امروز این نمایش‌ها همهٔ طبقات و گروه‌های اجتماعی را فراگرفته است. پس افراد کالاها را مصرف می‌کنند، نه تنها به جهت بهره‌برداری از کارکردهایی که برای آن ساخته شده‌اند، بلکه به جهت جنبهٔ نمادینشان. به عنوان مثال شمع روشن سر میز غذا، دلالت بر این می‌کند که میزبان می‌خواهد سبک زندگی سخاوت‌مندانهٔ ویژهٔ طبقهٔ بالا را به مهمانش نشان دهد یا این که خاویار خوردن نشانهٔ حسن ذائقهٔ یک فرد متشخص است. حتی ممکن است کارکردهای آشکاری برای یک پدیده وجود نداشته باشد، به عنوان مثال وقتی خانمی ناخن‌های خود را بلند می‌کند و لاک می‌زند یعنی محترم‌تر از آن است که کار یدی انجام دهد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۸۲ و ۸۳).

۳.۴.۱. جلال آل احمد

از میان اندیشمندان و منورالفکران این مرز و بوم، شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر مرحوم احمد فردید و مرحوم جلال آل احمد ذیل عنوان غرب‌زدگی قلم‌زنی کرده‌اند و به نوبهٔ خود، نگرانی‌هایشان را در این مورد عنوان کرده‌اند. مفهوم غرب‌زدگی به شکلی دیگر از سوی دیگر غرب‌پژوهان و غرب‌شناسان ایرانی چون فخرالدین شادمان به کار رفته است. از میان این اندیشمندان در این نوشتار بیشتر به نظریهٔ جلال خواهیم پرداخت. دیدگاه آل احمد دربارهٔ غرب‌زدگی را شاید بتوان برجسته‌ترین نمود اندیشهٔ اجتماعی او دانست. کتاب ***غرب‌زدگی*** وی خیل عظیمی از روشنفکران دینی و غیردینی را وادار به واکنش کرد. نگاه جلال

www.noormags.ir

به غرب عموماً آسیب‌شناختی است. جلال عموماً غرب را در این کتاب از منظر اقتصادی معرفی می‌کند، یعنی «شامل همهٔ ممالکی است که قادرند به کمک ماشین مواد خام را به صورت پیچیده‌تری درآورند و همچون کالایی به بازار عرضه کنند» (آل احمد، ۱۳۹۰، ۱۳ و ۱۴). او بر این اساس دنیا را به دو دستهٔ سازنده و مصرف‌کنندهٔ ماشین تقسیم می‌کند. در نتیجه او غرب پیشرفتهٔ مدرن را سازندهٔ ماشین و شرق عقب ماندهٔ سنتی را مصرف‌کنندهٔ ماشین می‌داند و اعتقاد دارد که ما نتوانسته‌ایم شخصیت فرهنگی ـ تاریخی خود را در قبال هجوم ماشین حفظ کنیم و از این موضوع انتقاد می‌کند. او احساس عقب‌ماندگی در شرق ایرانی و پیشرفت در غرب را موجب شکل‌گیری غرب‌زدگی می‌داند.

در یک جمع‌بندی کلی در باب آسیب‌شناسی سبک زندگی امروز ایرانیان باید گفت سبک مصرف‌گرایانه‌ای که اکنون برخی از خانواده‌های جامعهٔ ما در پیش گرفته‌اند، هر چه باشد، به نفع کشور و جامعهٔ ما و در جهت تعالی و تکامل آیندگان جامعهٔ ما نخواهد بود. ما نیازمند طراحی شیوه‌های جایگزین زندگی هستیم، که هم مناسب جامعهٔ ماست و هم در جهت تعالی فرزندان ما قرار دارد، در ادامهٔ نوشتار، ما به چنین طرحی می‌پردازیم.

طراحی سبک زندگی فقهی و بهشتی مبتنی بر قرآن

انقلاب اسلامی حاوی نگرشی نو به جهان بود و دریچهٔ تازه‌ای به سوی انسانِ عصر مدرنیته گشود تا وی بتواند از دیوارهای بلند انحصار و خودبینی و تکْ بُعدی نگری رها شده و در بستری تازه و از دیدگاهی متفاوت به خود، هستی و خدا بنگرد. از دیدگاه ما اصلی‌ترین ثمرهٔ این تفاوت دیدگاه، در شیوهٔ زیست این دو نگاه ظاهر می‌شود. مدرنیته در پی بنیاد کردن زندگی براساس دنیا و منافع دنیوی است و انقلاب اسلامی در پی احیای زندگی چند بعدی با تجمیع دنیا و آخرت. در واقع می‌توان مدعی شد، اگر انقلاب اسلامی شیوهٔ زیست متفاوتی با دنیای مدرنیته عرضه نکند، تفاوت مهمی با غرب نخواهد داشت. به عبارت دیگر

www.noormags.ir

پارادایم متفاوت انقلاب اسلامی در حکومت، باید به پارادایم متفاوتی در سبک زندگی منجر شود. برای تشریح این مسأله، سبک زندگی در نگاه سکولاریستی را بررسی کرده و آنگاه سبک زندگی پیشنهادی این نوشتار را مطرح می‌کنیم.

۱. شیوهٔ زندگی در دیدگاه سکولاریسم

به طور کلی نگاه دانشمندان دوران جدید غرب، یعنی از حدود سدهٔ پانزدهم میلادی به زندگی بشر، نوعی نگاه مذهب‌گریز است. این دیدگاه در سده‌های بعدی به ویژه در عصر روشنگری اروپا تشدید نیز می‌شود (چارلز کاپلستون، ۱۳۸۹، ۱۶). به طوری که اساساً برخی متفکران غربی خواهان حذف قوانین و مقررات دینی و یا حذف نهاد دین (کلیسا) از زندگی انسان شدند. جدایی دین از دنیا، که با نام سکولاریسم شناخته می‌شود، از عمده‌ترین ثمرات و نتایج مدرنیته بود.

در آغاز به تبیین معنا و مفهوم سکولاریسم پرداخته و آنگاه به تفاوت آن با شیوهٔ زندگی اسلامی می‌پردازیم.

اصطلاح عرفی شدن به طور معمول معادل اصطلاح «secularization» به کار می‌رود. واژهٔ «secular» برگرفته از اصطلاح لاتینی «saeculum» یا «saecularum» به معنی قرن و سده است. تعبیر عام‌تر از این مفهوم، به هر چیز متعلق به این جهان اشارت دارد (شجاعی زند، ۱۳۸۱، ۵۵).

به نظر بسیاری از محققان، این واژه، معادل مشخص و جاافتاده‌ای در زبان فارسی ندارد (سروش، ۱۳۸۴، ۷۳). در فارسی، معانی ذیل به کار رفته: «نادینی، دین‌زدایی، دیانت‌زدایی، غیردینی کردن، دنیوی‌سازی، دنیوی‌کردن، دنیوی شدن، دنیاگرایی، سکولارسازی و عرفی شدن» (شجاعی زند، ۱۳۸۱، ۵۶-۵۷).

در اصطلاح، تعریف جامعی از این مفهوم وجود ندارد. برخی از نویسندگان آن را چنین تعریف کرده‌اند: «این اصطلاح نوعاً به دو فرایند مرتبط به هم اطلاق می‌شود؛

www.noormags.ir

الف ـ معنی اول عرفی شدن، دنیاوی شدن ... در این معنی عرفی شدن عبارت است از عبور مفاهیم و مقولات از ساحت قدسی به ساحت ناسوتی ... عرفی شدن به این معناست که نهاد دین[۵] که در اعصار گذشته، دارای کارکردهای گوناگونی بوده وظایف خود را واگذار می‌کند؛ و دولت به عنوان اعقل عقلا، امور شهروندان را بر مبنای مصالح و منافع ملی رتق و فتق می‌کند. پس عرفی شدن بدین معناست که دولت منشأ اعتباریات حقوقی شود» (حجاریان، ۱۳۸۰، ۷۹ـ۷۷).

در نگاه سکولاریستی، دین از حوزهٔ زندگی انسان خارج می‌شود و در واقع نگاه انسان از یک دیدگاه جامع دنیوی ـ اخروی به یک دیدگاه تنگ و محدود دنیوی تغییر می‌کند. یکی از تفاوت‌های اساسی و بنیادین شیوهٔ زیست در مدرنیته و انقلاب اسلامی در همین نگاه سکولاریستی غرب به زندگی نهفته است. در برابر این نگاه آخرت‌گریز، انقلاب اسلامی نگاه تجمیعی دنیا ـ آخرت را پیشنهاد می‌کند. از جمله پیامدهای عمدهٔ این نگاه به زندگی در غرب، سست شدن کانون خانواده است. زیرا چنان که روشن است بسنده کردن به دنیا به معنای نوعی لذت‌گرایی است و پیداست که لذت‌گرایی در ذات خود با خانواده و عنصر وفاداری که ستون اصلی پایداری خانواده است در تناقض و تضاد است.

بسیاری از روشنفکران جامعهٔ ما خواسته یا ناخواسته به تبلیغ و ترویج نگاه سکولاریستی و زندگی آخرت‌گریز پرداخته‌اند. سیاست رژیم منحوس پهلوی نیز دقیقاً در همین راستا قرار داشت که در بخش دوم این مقاله به طور مفصل به این دیدگاه‌ها پرداخته شد. طرحی که این نوشتار درصدد ارائهٔ آن است، مبتنی بر نوعی نگاه قرآنی به زندگی و خانواده است. در دو بخش نخست این مقاله به برخی از عناصر تشکیل دهندهٔ خانواده که والدین بخشی از آن بود اشارت رفت. البته در نگاه دینی می‌توان خانواده را به جامعه نیز تعمیم داد. از این رو در بخش نخست این نوشتار به بررسی مسائل مربوط به همسایه در نگاه اسلامی نیز پرداخته

www.noormags.ir

شد، اما اینک درصدد تشریح طرح قرآنی زندگی که این نوشته از آن به زندگی بهشتی تعبیر می‌کند هستیم.

۲. نقش خانواده در طرح زندگی بهشتی از دیدگاه قرآن

چنان که در بالا اشاره شد طرح زندگی بهشتی بر مفهوم خانواده استوار است. خانواده در گام اول از زوجین آغاز می‌شود. قرآن کریم در آیهٔ ۲۱ سورهٔ روم می‌فرماید: ﴿وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ﴾. مفسران اسلامی در تشریح این آیه به مسائل جالب توجهی اشاره کرده‌اند. علامه طباطبایی رحمه‌الله، در تفسیر آیهٔ فوق با اشاره به این که هر یک از زن و مرد با دیگری و در کنار وی کامل می‌گردد، می‌نویسد: «کلمهٔ مودّت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد ... یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودّت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است ... و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد، نظیر این مورد مودّت و رحمتی است که در جامعهٔ بزرگ شهری، و در میان افراد جامعه مشاهده می‌شود، یکی از افراد وقتی همشهری خود را می‌بیند، با او انس می‌گیرد، و احساس محبت می‌کند، و به مسکینان و ناتوانان اهل شهر خود که نمی‌توانند به واجبات زندگی خود قیام کنند، ترحم می‌نماید. و به طوری که از سیاق برمی‌آید مراد از مودّت و رحمت در آیه همان مودّت و رحمت خانوادگی است، هر چند که اطلاق آیه شامل دومی نیز می‌شود» (ترجمهٔ تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، ۲۵۰/۱۶).

تفسیر نمونه نیز ذیل تفسیر این آیه چنین آورده است:

«به راستی وجود همسران... مکمل یکدیگر و مایهٔ شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر شد، به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبهٔ نیرومندی وجود داشته

www.noormags.ir

باشد ... البته آیهٔ مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می‌کند، ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «بینکم» اشاره به همهٔ انسان‌ها باشد، که دو همسر یکی از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند، زیرا نه تنها زندگی خانوادگی که زندگی در کل جامعهٔ انسانی بدون این دو اصل، یعنی مودّت و رحمت امکان‌پذیر نیست، و از میان رفتن این دو پیوند، و حتی ضعف و کمبود آن، مایهٔ هزاران بدبختی و ناراحتی و اضطراب اجتماعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۹۱-۲۹۳).

دو نکتهٔ اساسی در هر دو تفسیر فوق موج می‌زند؛ ابتدا تأکید قرآن بر رحمت بودن و مودّت در خانواده و آرامش ناشی از آن و سپس تعمیم همین رحمت و مودّت و آرامش به کل جامعهٔ دینی.

پرسشی که اکنون می‌توان مطرح کرد آن است که «اگر زندگی در یک خانواده و به تبع آن در یک جامعه بر پایهٔ ایجاد آرامش برای دیگران پایه‌گذاری شود حاصل آن چه خواهد بود؟». فرض کنیم همهٔ افراد جامعه از جانب دیگران در آرامش و امنیت قرار بگیرند نتیجه چه خواهد بود؟. آیا چنین جامعه‌ای قطعه‌ای از بهشت نخواهد بود؟!. مگر نه این است که یکی از ویژگی‌های اصلی بهشت وجود امنیت و آرامش است؟!. ﴿لا یَسْمَعُونَ فیها لَغْواً وَ لا تَأْثیماً إِلاَّ قیلاً سَلاماً سَلاماً﴾؛ در آن (باغ‌های بهشتی) نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند، نه سخنان گناه‌آلود؛ تنها چیزی که می‌شنوند «سلام» است «سلام»! (واقعه/۲۵ـ۲۶).

۳. تفاوت سبک زندگی سکولاریستی و زندگی بهشتی

اینک می‌توان این نگاه و روش زندگی را با شیوهٔ زیست سکولاریستی در قیاس قرار داد. آیا نتیجهٔ نگاه دنیاگرایانه آن نیست که دیگران را به مثابه ابزاری برای رسیدن به دنیای بهتر و لذت بیشتر بنگریم؟! این همان نکته مهمی است که در جامعه‌شناسی مارکسیستی از آن تعبیر به شیء شدگی انسان می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۴، ۲۰۳). در این نگاه، به انسان‌ها نیز مانند اشیاء، ابزاری برای رسیدن به

www.noormags.ir

اهداف نگریسته می‌شود! بنابراین به راحتی می‌توان آنان را در راه رسیدن به اهداف قربانی کرد و از ایشان نردبان ساخت و به هدف نزدیک شد. این نتیجه حذف دین و خدا از صحنه زندگی است.

نکتهٔ دیگری که طرح زندگی بهشتی درصدد تبیین و تأکید آن است، این که در شیوهٔ زندگی مبتنی بر دین اسلام و قرآن کریم، مایهٔ اصلی آرامش خداست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّذینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللهِ ألا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸).

در این آیه آرامش از نتایج ایمان به خدا برشمرده شده است. جالب آن است که دنیای مدرن ابتدا خدا را از زندگی حذف می‌کند، آنگاه بنیان خانواده سست می‌شود و سپس زندگی بی‌معنا می‌شود و نیهیلیسم بر در می‌کوبد و بحران معنا و هویت هویدا می‌شود و اینک همهٔ به دنبال آرامش می‌گردند. متأسفانه در جامعهٔ ما نیز این گونه افکار ترویج و تبلیغ می‌شود. در حالی که انسان باید مایهٔ آرامش انسان باشد و در همین دنیا بهشت را تجربه کند، دیگران را به مثابه وسیله‌ای پست و ناچیز برای کسب درآمد بیشتر و در نتیجه لذت بالاتر و برتر به قربانگاه می‌فرستد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

نتیجه‌گیری

از دیدگاه این نوشتار، طرح زندگی بهشتی مبتنی بر وجود پررنگ خدا در زندگی است. زندگی در سایهٔ خدا مایهٔ آرامش فراگیر است و در سایهٔ همین آرامش است که همسران و فرزندان مایهٔ آرامش یکدیگرند و این آرامش از منبع و سرچشمهٔ اصلی آن که خداست، پس از جریان در فضای زندگی خانواده به کل جامعه سریان پیدا می‌کند و سراسر آن را دربرمی‌گیرد. نمونهٔ عینی این جامعهٔ بهشتی را می‌توان در شهر پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران حیات ایشان به خوبی مشاهده کرد. بنابر این چنانچه جامعه در پی ایجاد سبک زندگی بر مبنای دین و

www.noormags.ir

آموزه‌های دینی است می‌تواند براساس این آیات و خطوط کلی به طراحی قواعد لازم بپردازد و در ضمن به اطلاعات تاریخی در باب شیوهٔ زندگی پیامبرﷺ و اصحابش در مدینه نیز مراجعه کرده و آن را به صورت سند و طرح عملی مد نظر قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. individualism
2. that's your problem
3. the theory of leisure
4. leisure class
5. church-state differention

منابع و مآخذ

- ***قرآن کریم***، ترجمهٔ آیت‌الله مکارم شیرازی.

۱. آل احمد، جلال (۱۳۹۰)، ***غرب زدگی***، تهران، انتشارات آدینه سبز، چاپ چهارم.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، ***الخصال***، ترجمهٔ یعقوب جعفری، قم، انتشارات نسیم کوثر، چاپ اول.

۳. اردبیلی، حسین بن شرف الدین (قرن دهم) (بی‌تا)، ***ترجمهٔ نهج البلاغه***، بی جا، انتشارات دفتر فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۴. اسکین، دنیل و کِرن، روی (۱۳۸۹)، ***ارزیابی و درمان سبک زندگی***، مترجمان: حمید علیزاده، محسن سیفی و فروزان کرمی، تهران، انتشارات رَسش، چاپ اول.

۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ق)، ***مفردات ألفاظ القرآن***، لبنان ـ سوریه، انتشارات دار العلم ـ الدار الشامیه، یک جلد، چاپ اول.

۶. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲)، ***برگزیدهٔ تفسیر نمونه***، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.

۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، ***تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم***، تهران، انتشارات نی، جلد اول.

۸. پاشا (متخلص به شادفرهنگ)، محمد (۱۳۳۵)، ***فرهنگ لغت آنندراج***؛ جلد چهارم، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات شاهنامه فردوسی.

۹. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای www.khameneyi.ir (۱۳۹۱)، بخش سفر به خراسان شمالی.

۱۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، ***نهج‌الفصاحة (مجموعهٔ کلمات قصار حضرت رسول***ﷺ***)***؛ تهران،

www.noormags.ir

انتشارات دنیای دانش، چاپ چهارم.
۱۱. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه‌السلام (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعة*، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ اول.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، ***مبسوط در ترمینولوژی حقوق***، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
۱۳. چارلز کاپلستون، فردریک (۱۳۸۹)، ***تاریخ فلسفه***، جلد ششم، ترجمهٔ اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگ‌نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۴. حجاریان، سعید (۱۳۸۰)، ***از شاهد قدسی تا شاهد بازاری***؛ تهران، انتشارات طرح نو.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، ***فرهنگ لغت دهخدا***، جلد نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوره ۱۶ جلدی.
۱۶. سروش، عبد الکریم و دیگران (۱۳۸۴)، ***سنت و سکولاریسم***، تهران، انتشارات صراط.
۱۷. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱)، ***عرفی شدن در تجربهٔ مسیحی و اسلامی***، تهران، انتشارات باز.
۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی(بی تا)، *مُسکّن الفؤاد عند فقد الأحبّة و الأولاد*، قم، انتشارات بصیرتی.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، بی‌نا، چاپ اول، جلد هفتم.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ترجمهٔ سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، قم، انتشارات جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه.
۲۱. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۴)، *مشکاة الأنوار*، ترجمهٔ عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول.
۲۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، ***مجمع البحرین***، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، جلد سوم.
۲۳. علی بن الحسین، امام چهارم علیه‌السلام، (۱۳۷۶)، *الصحیفة السجادیة*، ترجمه و شرح فیض‌الإسلام، تهران، انتشارات فقیه، چاپ دوم.
۲۴. علی بن موسی، امام هشتم علیه‌السلام، (۱۴۰۶ق)، *صحیفة الإمام الرضا* علیه‌السلام، ترجمهٔ حجازی، مشهد، انتشارات کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه‌السلام، چاپ اول.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، ***قاموس قرآن***، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم، جلد دوم.
۲۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، ***سبک زندگی و ابزار سنجش آن***، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، ***اصول الکافی***، ترجمهٔ مصطفوی، تهران، انتشارات کتابفروشی علمیهٔ اسلامیه، چاپ اول، جلد سوم.

www.noormags.ir

۲۸. گروهی از مؤلفان (۱۳۶۸)، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۲۹. مترجمان (۱۳۶۰)، ***ترجمهٔ مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، جلد پنجم.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، ***تفسیر نمونه***، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد سوم.
۳۱. --------- (بی‌تا)، ***پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان***، بی‌جا.
۳۲. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، ***دین و سبک زندگی (مطالعهٔ موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی)***، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ دوم.
۳۳. واسطی، زبیدی؛ حنفی، محب‌الدین و حسینی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، بیروت، انتشارات دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، دورهٔ ۲۰ جلدی، جلد ششم.
۳۴. وبلن، تورستین (۱۳۸۶)، ***نظریهٔ طبقهٔ تن‌آسا***، ترجمهٔ فرهنگ ارشاد، ویراست و مقدمهٔ چارلز رایت میلز، تهران، انتشارات نی، چاپ دوم.
۳۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، ترجمهٔ حسن حسن‌زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، تهران، انتشارات مکتبة الإسلامیة، چاپ چهارم، جلد شانزدهم.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir